

## نگاهی به نمایش «هار»

# مرده قیمتی



احسان زبور عالم

جریان و روال عادی روز قرار گیرند. خالق کت واک قصدش تولید نوعی آزادی و رهیدگی است. کت واک بندهای مرسوم است، پس برای معرفی لباسش اجراگری می کند و نوع اجراگریش به لباس هایی گره می خورد که برای دیگری عجیب و حتی بی معناست.

اما همین جا باید گفت کت واک با همه آزادی هایش، سلطه گر است. شیوه اجراگری، انتخاب مانکن ها، فقدان آزادی به مانکن در شیوه اجرا، ثابت بودن شکل اجرا و حتی حال و هوای موسیقی که گویی بدون شکل خاصی از آن، کت واک امکان پذیر نمی شود. بادی بدن چند مستند در یافتن زندگی پشت صحنه یک مانکن بالیوهای از بادی و نیاید ظاهر ظالمانه همراه است. از تعیین ابعاد بدن تا تصمیم گیری برای رژیم غذایی، همه گواه بر آن است نمادی بر آزادی، چندان واجد آزادی نیست. آنچه از نمایش «هار» در می یابیم، چنین تصویری است. نمایش که ۶۰ دقیقه حضور چند مانکن روی صحنه برای جلوه گری لباس های متفاوت است، از دل قاعده های خشک و خالی

### سینما

#### کارگردان فیلم کوتاه «قفل»:

## وظیفه دولت و مجلس کمک به تولید آثار هنری است، اما انجامش نمی دهند

علی جوان، کارگردان فیلم کوتاه «قفل» با بازی علی انصاریان و امید روحانی که این روزها در قالب بسته فیلم کوتاه با عنوان «هفت» در حال اکران در گروه سینمایی هنر و تجربه است، از تجربه همکاری با انصاریان و به طور کلی حضور چهره ها در عرصه فیلم کوتاه گفت. به اعتقاد وی؛ وظیفه دولت و مجلس است که بدون هیچ مرز بندی به بنگاه ها و آژانس ها سوسپسید هنری بدهند تا مخاطب ها از ننده بمانند. وظیفه آنها رساندن منابع مالی و غیر مالی برای ساخت آثار هنری است، کاری که سال ها است دولت ها انجام نمی دهند. خبر نگار ایلنا، به بنگاه تولید و اکران فیلم های کوتاه با حضور سلبریتی ها به سراغ علی جوان، کارگردان فیلم کوتاه «قفل» که از جوانان فیلمساز فعال در حوزه سینمای کوتاه است، رفته و با او در باره حضور چهره های شاخه شده سینمای کوتاه در فیلم های کوتاه گفتگویی داشته است که بخش هایی از آن را می خوانید.

#### از فیلم کوتاه «قفل» و موضوعش بگویند.

من مدت کوتاهی بود که ایده یک فیلم کوتاه ۳۰ دقیقه ای سه اپیزودی را در ذهنم داشتم. سه اپیزود هر کدام ۱۰ دقیقه، با نام های «پسر»، «مرد»، «پیر مرد». هر اپیزود ۱۰ دقیقه، با داستانی حول محور گم شدن آدم ها در شهر، اما از لحاظ داستان و قصه کاملاً نامربوط به هم. هر اپیزود به تنهایی یک فیلم کوتاه سخت و سنگین بود که تصمیم داشتم شرایط هر کدام از لحاظ ساخت و پروداکشن آماده تر بود آن را اول بسازم تا انگیزه های باشد برای ساختن اپیزودهای بعدی و انگار با یک تیر دو نشان زده باشم که هم به فیلم کوتاه مجزا ساخته باشم و هم در نهایت یک پیکیج سه گانه ۳۰ دقیقه ای آبان ۹۷ تصمیم جدی برای ساخت اپیزود «پیر مرد» را گرفتیم. داستان در مورد مرد جوانی است که در خیابان پیر مردی را که به دنبال آدرس می گردد، سوار می کند و قصه آن ها با هم شروع می شود. امیدوارم بتوانم آن انگیزه و انرژی که لازم است و بالاخص پول لازم برای دو اپیزود بعدی را هم پیدا کنم و آنها را بسازم.

#### چند وقتی است که فیلمساز های عرصه فیلم کوتاه از بازیگران مطرح در فیلم ها نشان استفاده می کنند، آیا این روش می تواند به دیده شدن فیلم های کوتاه کمک کند؟

واقعیت را بخواهید، نه، اصلاً نمی تواند. همان طور که هزاران فیلم کوتاه با بهترین چهره ها و سلبریتی ها ساختند و واقعات آن اتفاق که باید می افتاد نیفتاده و اصلاً دیده نمی شدند و خیلی ها از کنارشان عبور کردند. اتفاقاً برای کارگردان سخت تر است که نگاه سلبریتی را هدایت کند و پروژه فیلمبرداری را در دست بگیرد. حتی ممکن است حضور بازیگران شاخص به کار ضربه بزند.

آن است، مثلاً در نمایش زن خانه دار به کالا بدل می شود تا مان آن را مصرف کنیم، هم در دیدن او در مقام یک مانکن دیدنی و هم زنی که یک پرتره ثابت قابل مصرف و تکرار را نمایندگی می کند. به عبارتی در یک جهان زن خانه دار نمادینی آفریده می شود که مصرف کنندگان کت واک بعدها خود را به صورت او در می آورند و نظم نمادین را با تکرار آن می پذیرند. مثال دیگر خوب استفاده از مفاهیم احقانه ای چون کرفس لاغر کن است. توصیه مداوم به مصرف گیاهان برای رسیدن به لاغری در نمایش به خوبی دیده می شود. اساساً نمی دانیم برای چه باید لاغر شویم، مگر همه ما باید به یک شکل و هیکل در آیم؟ آیا ترویج لاغری خود دخالت در مفهوم آزادی فردی نیست. مثال جذاب دیگری در نمایش است، جایی که به پای شخصیت میت بر چسبی الصاق شده است، انگار مرده خفته بر برانکارده هم بدل به کالای فروشی می شود. در نهایت مد شاید مرده بودن هم ارزش مادی داشته باشد. این وضعیت زمانی بازه تر می شود که مرده بدل به پوتروی مرده می شود و حالا بردوش منتظران گودو

راجاگیرین مانکن هایش می کند. مکث و ولادیمیر و استراگون در قالب های تازه ای ظهور می کنند و شاید انتظار گودو را به اهمیت تراز هر زمانی جلوه می دهند. شخصیت ها از نظر نمادین کت واک بیرون می زنند و به باز نمایی چیزی دیگر می آورند، اما گویی این باز نمایی نیز همچون نظم سابق دروغین است. کسی از فرش دراز پهن شده خارج نمی شود. اگر تنازع ای است روی همان دنیای کت واک رخ می دهد. کار تا جایی پیش می رود که در بایم همین نزاع بر سر نظم نیز دروغین است. آزادی زدن چند پیکر بر سیگار دست ساز توسط منتظران گودو هم جعل است یا بهتر است بگویم وانموده است و واقعیت نیست، اما معین واقعیت است. می دانیم آنچه می بینیم ممکن نیست؛ اما در حال وقوع است و ما وقوع ماجرا را باور می کنیم. همین وانمودگی بدل به نظم تازه می شود. کت واک و وجه مسلم نظام سرمایه داری است. آزادی در ساحت سرمایه داری در انقیاد مصرف نمود پیدا می کند و «هار» این وضعیت را به خوبی باز نمایی می کند. اساساً نظمی که بر نمایش حاکم است، محصولی برای مصرف است؛ اما با آنچه سرمایه داری خواهان



کوتاه «قفل» بگویند.

خودنمایی می کند. آن دو هم به کالا بدل می شوند و هم به مصرف کنندگان کالا. «هار» تصویری استعاری از وضعیت امروز ماست. شخصی در یک توبیت نوشته بود «هار» مصداق اومانیسیم است؛ هر چند نگفته بود اومانیسیم چیست. اگر اومانیسیم را در مصداقی جستجو می کنیم که در آن انسان بسان یک باز نمایی ارزیابی می شود، بی شک توبیت و توبیت زدن هم مصداق اومانیسیم است. بر خلاف نظر آن نوشته «هار» شکلی اعتراضی به همان اومانیسیم است که بر مبنای مصرف شکل می گیرد. در چنین شرایطی هم متن نگارنده هم خود نمایش نیز مشمول اعتراض قرار می گیرد. چرا که من می نویسم تا خواننده شوم و البته مصرف شوم و «هار» هم در جایی مثل ایران شهر، عرضه می شود و فروخته. پس اعتراض مشمول هر چیزی می شود. انگار مانیز در این جهان مصرف و مصرف بیشتر به جان هم می افتمیم تا مصرف شویم، تافر و خسته شویم. مانیز بر این مسیر کت واک شده و اجده ارزش بازار محور می شویم. اما به یاد داشته باشیم؛ آنچه «هار» را بدل به اثری

جذاب می کند مصداق بازار مصرف نیست. نه خبری از بازیگران چند میلیاردری است و نه تبلیغات رنگین چند صد میلیونی، آنچه ما را مجذوب می کند شاید دیدن تصویر حقیقی خودمان در این نظم نمادین احقانه باشد. بکن و نکن هایی که پذیرفته ایم و بر آن گردن می نهیم، بدون آنکه بدانیم برای چه.



انگیزه انگیزه انگیزه. او سرشار از انگیزه بود. امیدوارم مدل کار کردن همه سلبریتی هایی که وارد سینمای کوتاه با تئاتر می شوند، همینطور باشد، پیگیر باشند، ارزش قائل شوند، سر وقت بیایند، بهانه گیری نکنند و متوجه باشند که از همان سینمای کوتاه تئاتر می توانند یاد بگیرند و این حوزه می تواند باعث رشد آگاهی شود. هم برای خودشان و هم برای تیم و گروهشان. بنابراین تیم را همراهی کنند و فکر نکنند منتی بر سر پروژه هستند، همه بخشی از پروژه هستند برای تجربه و بهتر شدن و اگر هم راهی برای سلبریتی ها باز تر است، باعث سازندگی شوند، نه حاشیه.

#### شما که تجربه همکاری با علی انصاریان را داشته اید، آیا واقعا و او را باز یگر خوبی دیدید یا پس از فوتش این گونه جلوه داده شد؟

علی انصاریان بازیگر خوبی نبود. اما داشت به سمت بازیگر خوب شدن حرکت می کرد و راه و مسیر را فهمیده بود که در واقع چیزی جز تمرین و انگیزه نیست. همه دیدیم که علی انصاریان و پژمان جمشیدی و تمام آدم های موفق هر روز تلاش می کنند و کار می کنند و کار می کنند و آدم بهتری از روز قبلشان می شوند و من این شانس را داشتم که در زمان خوبی از تلاش علی برای بازیگری، سر راهش قرار گرفتیم و از همکاری با او لذت بردم. علی انصاریان قبل از فوتش برای فیلم «قفل» نامزد جایزه بهترین بازیگر جشنواره نیویورک شد و در ناکت اینک شیدم هفته پیش هم برای فیلم «کولبرف» میلاد منصوری برنده جایزه جشنواره بلغارستان شده است. به نظر من علی می دانست که باید تلاش کند و حال شاید به دلیل هوش فوتبالی و تجربه پژمان و دوستان درستی مثل علی جناب در کنارش در حال بر طرف کردن و از بین بردن های نقاط ضعفش بود و به نظر من این بهترین آگاهیست که یک آرتیست و هنرمند باید داشته باشد، دانستن نقص ها و بر طرف آنها.

#### سینما، خصوصاً سینمای فیلم کوتاه را در دولت گذشته چگونه دیدید و از دولت آینده به عنوان یک سینماگر چه انتظاری دارید؟

به نظر من رویکر ده سینماگر چند دهه اخیر و تبدیل شدنش به خصوصی سازی و ورود پول با نامعلوم به این عرصه، با مدیریت افراد بدون صلاحیت و استفاده بنگاه های کلان مالی که به سینما تاورود کردند، خیانت بارترین اتفاق برای هنر و آینده فرهنگی ایران است. زبیر دیگر به بخش اثر هنری اهمیت دارد و نه مخاطب و شعور؛ فقط پول های گزافی است که صرف تولید می شود برای خوشگذرانی یک عده و نتیجه اش از بین رفتن مخاطب و تعطیلی سالن و گوشه نشینی عمده ای از هنرمندان است. تمام بخش فیلم ها و تهیه کنندگان به سمت وی او دی رفته اند و این یعنی تمام شدن سالن ها. اگر اهرام سینما به نظر من تجربه ای که از سینمای دنیادر حال دیدن هستم، سوسپسیدهای مالی برای تولید و پس تولید فیلم ها توسط بنگاه های نیمه دولتی و خصوصی که از سوی خود هنرمندان به صورت سندیکایی تشکیل شده است، ارائه می شود و این بنگاه ها و آژانس ها بر نامه بیزی برای کمک هزینه های مادی و جایگزینی کمک های تجهیزاتی و سوسپسیدی را قبل می کنند تا رابط محکمی بین رسیدن بودجه به هنرمندان باشند.